دریچه

محمد سرابی؛ روزنامه‌نگار

نهال اول با یاد و نام آقای شهید ایران

از امروز تا نیمه اسفندماه نهال‌های امید در خاک وطن جای می‌گیرند و سال‌ها بعد مردم ایران درختان تنومند و سبز و سرافرازی را خواهند دید که در روزهای جنگ کاشته شده‌اند؛ نهال‌هایی که هریک مانند سربازان وطن پلاک دارند و یادگار زمانی هستند که ایران در مقابل حمله و تهدید متجاوزان مقاومت می‌کرد؛ درختان سرافراز و سبز که پیام امید را از امسال به سال‌های بعد می‌فرستند. ظهر روز ۲۵آبان فرمانده سپاه تهران و وزیر آموزش‌وپرورش در حیاط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نهال‌هایی را به یاد شهدای حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی غرس کردند. به‌گفته وزیر آموزش‌وپرورش این طرح در مدارس اجرا می‌شود.

۱۱۰روز درختکاری

حیاط کانون پرورش فکری - درست در جایی که همسایه پارک لاله است - حالا نهال‌هایی به یاد شهدای ۲جنگ اخیر دارد. ظهر دوشنبه سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ در مراسم شروع پویش کاشت ۳۱۳هزار نهال امید گفت: «نام طرح برگرفته از پیام امیدآفرین مقام‌معظم‌رهبری در دوازدهم فروردین است، جایی که حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای از کاشت نهال امید یاد می‌کنند.»

به یاد شهدای میناب

وزیر آموزش‌وپرورش در این مراسم به همشهری گفت: «نهال اول با یاد و نام آقای شهید ایران کاشته شد که آنچه امروز داریم مدیون حضور ایشان است. نهال‌های دیگر هم به یاد شهدای جنگ‌های اخیر به‌ویژه دانش‌آموزان شهید میناب و معلمان آنهاست که در همه استان‌ها کاشته می‌شود. در شهر تهران هم ۳۱۳هزار نهال نماد نهالکاری قرار گرفته است که خیر و برکت‌های زیادی خواهد داشت.» علیرضا کاظمی با اشاره به سخنان رهبرانقلاب تأکید کرد: «طرحی داریم که در مدارس قطعات ۱۲نهالی ایجاد کنیم تا دانش‌آموزان که هرسال وارد مدرسه‌ها می‌شوند با این نماد مقاومت آشنا شوند.» در میان نهال‌هایی که در کانون پرورش فکری غرس شدند، نهالی هم به نام شهید ماکان نصیری نامگذاری شده است.

اصل و شرح

فحاشی گران تمام می‌شود

اردشیر گراوند، جامعه‌شناس و پژوهشگر دلیل کاهش نزاع را بیشتر تغییر ساختار جامعه می‌داند. او به همشهری می‌گوید: «موضوعاتی مانند نزاع و رفتارهای خشن تابعی از عوامل مختلف است و در جوامع مختلف، ثابت باقی نمی‌ماند، بلکه در طول زمان کم و زیاد می‌شود. این نوسان هم تابعی از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. کاهش نزاع در فضای عمومی نشانه افزایش تاب‌آوری است که از درون جامعه ریشه گرفته است.» گراوند بیان می‌کند: «من تصور می‌کنم جامعه ما نوعی بلوغ پیدا کرده است. نسل‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰همانطور که نسبت به نسل دهه۶۰ تحصیلات و دانش بیشتری دارند، از توانایی کنترل خشونت بیشتری هم بهره‌مند هستند.» این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: «تغییرات اقتصادی به تغییر سبک زندگی و در ادامه آن به تغییرات رفتاری منجر شده است. در نظام جدید شغلی و اقتصادی افراد از برخورد و درگیری خودداری می‌کنند. این نوع معیشت روابط انسانی متفاوتی ایجاد می‌کند که در چارچوب آن باید از خشونت پرهیز کرد.»

جریمه فحش: ۸۰میلیون تومان

احمد جمشیدوند، وکیل پایه‌یک دادگستری از مجازات فحاشی، چاقوکشی و نزاع‌های خیابانی می‌گوید



عکس: همشهری/ منا عادل

جامعه امروز

فاطمه عسکری نیا | روزنامه‌نگار | فحاشی در خیابان، برخلاف تصور برخی افراد، صرفا یک رفتار ناپسند اجتماعی نیست و می‌تواند پای فرد را به دادگاه باز کند. حتی اگر یک درگیری با چند کلمه توهین‌آمیز آغاز شود، ممکن است در ادامه به ضرب و جرح، پرداخت دیه یا حتی قتل منجر شود. احمد جمشیدوند، وکیل پایه‌یک دادگستری در گفت‌وگو با پارک‌وی به تشریح مجازات‌های قانونی نزاع‌های خیابانی و پیامدهای حقوقی رفتارهای خشونت‌آمیز پرداخته است.



۱ بهای گران یک فحش

جمشیدوند با اشاره به مجازات فحاشی و توهین می‌گوید: «مطابق قانون مجازات اسلامی، توهین و فحاشی می‌تواند مجازات نقدی از ۲۰تا ۸۰میلیون تومان داشته باشد. البته برخی توهین‌ها ممکن است عنوان مجرمانه دیگری پیدا کنند و مجازات‌های سنگین‌تری ازجمله حبس یا شلاق برای آنها درنظر گرفته شود.» به‌گفته او، برای شکایت کیفری از فردی که فحاشی کرده، لازم نیست حتما درگیری فیزیکی رخ داده باشد؛ صرف توهین نیز قابلیت پیگیری قضایی دارد. این وکیل دادگستری تأکید می‌کند که توهین به اشخاص یک جرم مستقل است، اما نمی‌تواند مجوزی برای درگیری فیزیکی باشد. بنابراین فردی که در پاسخ به فحاشی دیگری اقدام به ضرب‌وجرح می‌کند، ممکن است هم بابت توهین و هم بابت ضرب و جرح با مجازات روبه‌رو شود.

۲ چاقو و قمه برای قدرت‌نمایی هم دردسرسازند

جمشیدوند درباره استفاده از سلاح در نزاع‌های خیابانی می‌گوید: «صرف همراه‌داشتن چاقو و قمه در نزاع می‌تواند قابل مجازات باشد. همچنین قدرت‌نمایی با این سلاح‌ها در مکان عمومی مجازات حبس و تا ۷۴ضربه شلاق را به‌دنبال دارد.» او معتقد است کاهش نزاع‌های خیابانی را نمی‌توان صرفا به اجرای قانون یا عملکرد پلیس نسبت داد. آموزش، افزایش آستانه تحمل افراد و اصلاح رفتارهای خشونت‌آمیز نیز نقش مهمی در کاهش این جرائم دارند.

۳ نوجوانان هم از مجازات نزاع در امان نیستند

جمشیدوند با اشاره به اینکه برخی درگیری‌ها از سنین ۱۵ و ۱۶سالگی آغاز می‌شود، می‌گوید: «رسیدگی به جرائم افراد زیر ۱۸سال در صلاحیت دادگاه اطفال است. در این دادگاه، بسته به نوع جرم، امکان اعمال اقدامات تربیتی، ارجاع به کانون اصلاح و تربیت یا سایر تدابیر قانونی وجود دارد». او درباره تأثیر این اقدامات نیز معتقد است برخی افراد پس از حضور در کانون اصلاح و تربیت به جامعه بازمی‌گردند و اصلاح می‌شوند، اما برخی دیگر همچنان رفتارهای مجرمانه را تکرار می‌کنند.

۴ انتشار فیلم دعوا هم می‌تواند دردسرساز شود

به‌گفته این وکیل، انتشار فیلم یک نزاع در فضای مجازی، اگر با قصد خاص و به شکلی باشد که عفت عمومی را جریحه‌دار کند، می‌تواند قابلیت تعقیب قانونی داشته باشد. همچنین توهین در فضای مجازی نیز مانند فضای حقیقی می‌تواند مجازات کیفری داشته باشد. جمشیدوند توصیه می‌کند افراد تا حد امکان از درگیری‌های خیابانی دوری کنند و درصورت مواجهه با توهین یا نزاع، برای پیگیری قانونی و اثبات ادعاهای خود از مشورت وکیل یا متخصص حقوقی کمک بگیرند. به اعتقاد او، افزایش آگاهی عمومی از قوانین و آموزش از طریق رسانه‌ها می‌تواند در پیشگیری از خشونت‌های اجتماعی مؤثر باشد.

صفحه‌آرا: حامد یزدانی



جشن عمومی برای بازگشت عادل طاهری

مردی با معلولیت ذهنی که ۱۸سال پیش گم شده بود، به لطف شبکه‌های اجتماعی چند روز پیش پیدا شد. حالا همه ایران عادل طاهری را می‌شناسند و استقبال پرشور هم‌محلی‌های او و شادی از بازگشت گمشده‌شان، روی خوش دیگری از این داستان را نشان داد. تصاویر منتشرشده از مراسم استقبال، چنان پرشور و هیجان است که اگر کسی ماجرا را نداند، گمان می‌کند مردم به استقبال معروف‌ترین چهره مازندران آمده‌اند اما شلوغی محله عادل، دلیلی نداشت جز شادی بازگشت او بعد از ۱۸سال.

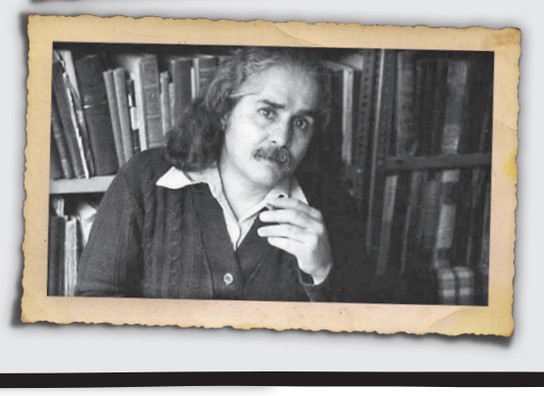
میراث خوش‌عطر اخوان ثالث

درباره یکی از قدیمی‌ترین عطاری‌های مشهد که با نام اخوان ثالث گره خورده است

گزارش

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | یکی از قدیمی‌ترین عطاری‌های شهر مشهد را مهدی اخوان ثالث می‌چرخاند! این آقامهدی عطارباشی اهل شعرسرودن نیست و مشغله‌های طب سنتی برایش فرصت و مجال شعرخوانی هم نمی‌گذارد، اما همنامی این عطارباشی پرسابقه با شاعر بلندآوازه خراسانی فقط یک تشابه اسمی تصادفی نیست. او از عموزاده‌های آقای ادیب مرحوم و از خاندان اخوان ثالث است که چراغ این عطاری موروثی را روشن نگه داشته و شغل قدیمی خاندانش را ادامه می‌دهد. اگرچه حال‌وهوای دکان عطاری اخوان ثالث به محافل شعر و ادبی که با خواندن اشعار حماسی ادیب مرحوم خراسانی رونق می‌گیرند، هیچ شباهتی ندارد، وجود نام خانوادگی آقای شاعر بر تابلوی سردر عطاری آن را به محلی خاص و نوستالژیک برای علاقه‌مندان شعر و ادب تبدیل کرده است. این روزها هم به لطف شبکه‌های اجتماعی، عطاری اخوان ثالث بیشتر محبوب و مشهور شده است.





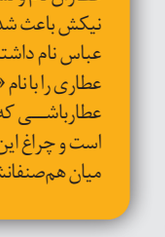
یک عطارزاده نامدار

روی دیوار عطاری و کنار قفسه‌های لبریز از بطری‌های عرق کاسنی و بیدمشک قاب‌های عکسی به چشم می‌خورد که در تصویر چهره مردان جاافتاده داخل قاب‌ها می‌توان رد و نشان‌های پررنگی از چشم‌های نافذ و پیشانی بلند شاعر نامدار خاندان اخوان ثالث پیدا کرد. در این قاب‌ها تصاویر پدر و ۲عموی عطار آقای شاعر جا خوش کرده‌اند که نام خانوادگی‌شان هم از همین رابطه برادرانه آنها نشأت گرفته است. آقامهدی که حالا عطاری موروثی را اداره می‌کند، پسر یکی از عموهای شاعر مرحوم است و همنامی او با عموزاده پرآوازه‌اش هم علاوه بر آنکه از ارادت خاندانش به ائمه حکایت می‌کند، تلاش آنها برای زنده نگه‌داشتن نام و نشان شاعر مرحومشان را نشان می‌دهد. آقامهدی که از نوجوانی با عطر و رایحه گیاهان دارویی دمخور بوده و عمری را به کسب تجربه در صنف عطاران گذرانده، فقط شمایل مهدی‌خان هنرمند شعرگو در واپسین سال‌های عمرش را به‌خاطر دارد. او به همشهری می‌گوید: «وقتی من نوجوان بودم، پسرعمویم در تهران زندگی می‌کرد و ما کمتر او را می‌دیدیم، اما همان زمان هم که در این عطاری زیردست پدر و عموهایم شاگردی می‌کردم، هر کس که برای خرید داروی گیاهی به عطاری می‌آمد، در مورد پسرعموی شاعرم از ما پرس‌وجو می‌کرد و احوال او را می‌پرسید.»

مهدی‌خان مرحوم هم مانند بسیاری از جوانان خاندان اخوان ثالث که در آن دوره از صنف عطاران سر درآوردند، برای ادامه‌دادن شغل پدری‌اش تلاش می‌کند، ولی جاذبه و جادوی دنیای کلمات به او مجال نمی‌دهد که در این حرفه تاب بیاورد: «مهدی در اوایل جوانی‌اش مدتی به این شغل مشغول بود و اطراف حرم دکان عطاری داشت، ولی وقتی دیپلم گرفت و برای آموزگاری به تهران رفت، این شغل را هم رها کرد. بعدها هم در عالم هنر و ادبیات غرق شد و دیگر هیچ‌وقت سراغ عطاری نرفت.»

مکث

تاجری که عطار شد



عطارباشی‌شدن پدر آقای شاعر که به «آق علی» شهرت داشته، حکایتی شنیدنی دارد: «عمویم در دوران جوانی از یزد به روسیه تزاری مهاجرت کرد و با تجارت در سواحل جیحون و شهرهای سمرقند و بخارا و چهارجوی، سرمایه‌ای به هم زد. او با این سرمایه به شهر دوشنبه تاجیکستان رفت‌وآمد می‌کرد و در این کشورها به تجارت چای مشغول بود، اما پس از انقلاب بلشویکی تمام اموالش را مصادره کردند و عمویم دست خالی به مشهد آمد.» پررونق‌بودن بازار داروهای گیاهی باعث می‌شود آق‌علی مدتی را به مطالعه در طب سنتی و داروهای گیاهی بگذراند و به کمک ۲برادرش عباس و علی‌اصغر دکان عطاری باز کند. آقای تاجر ورشکسته در عطاری سررشته پیدا می‌کند و این بیت شعری که مهدی بعدها برای پدر می‌سراید، از این تبحر حکایت می‌کند: «بابای من که بود، یکی عطار/ هرگز نبست نسخه امحا را/ هرگز نکشت، تا که مرا یادست/ مرغِ هوا و ماهی دریا را...»

ازدواج آق‌علی و تولد فرزند شاعرش هم بعد از سرآمدشدنش در بین عطاران اتفاق می‌افتد: «همسر عموی من اهل مشهد بود و خدا ۲فرزند دختر و ۲پسر به آنها بخشید که مهدی یکی از آنها بود.» آق‌علی در میان تاجران روسی و تاجیکی به نام «علی‌اُف» شناخته می‌شد، اما بعد از بازگشت به وطن شناسنامه او و برادرانش با نام خانوادگی «اخوان ثالث» صادر شده است. به همان اندازه‌ای که مهدی‌خان در هنر و ادبیات اسم و آوازه بلند کرده، پدرش آق‌علی هم در صنف عطاران نام و نشان‌دار بوده و این خوشنامی و شهرت نیکش باعث شده بعد از مرگ آق‌علی هم برادرش که عباس نام داشته و پدر همسر مهدی‌خان شاعر بوده، عطاری را با نام «آق‌علی دوم» اداره کند. حالا آقامهدی عطارباشی که فرزند آق‌علی دوم و پسرعموی شاعر است و چراغ این میراث پدری را روشن نگه داشته، در میان هم‌صنفانش به نام «آق‌علی سوم» شهرت دارد.



میراث‌دار شایسته اخوان ثالث‌ها

آقامهدی عطارباشی با شعر و شاعری میانه‌ای ندارد، اما این بیت از شعر میراث را که عموزاده‌اش درباره خاندانش و شغل آنها سروده وقت و بی‌وقت زمزمه می‌کند: «باز او ماند و سه پستان و گل زوفا / باز او ماند و سکنگور و سیه‌دانه / و آن به آیین حجره زارانی / کانچه بینی در کتاب تحفه هندی / هر یکی خوابیده او را در یکی خانه» حالا که سال‌ها از مرگ آقای شاعر گذشته، کمتر پیش می‌آید که گذر شاعران و علاقه‌مندان شعرسرایی و شعرخوانی به عطاری آقا مهدی بیفتد، اما یکی از شیفتگان آقای شاعر که به دیدن عموزاده عطار او می‌آید، خیلی زود از دنیای ادبیات منظوم فاصله می‌گیرد و به شغل عطاری علاقه‌مند می‌شود: «روز اول که این بنده خدا به عطاری آمد، می‌گفت به شعر و شاعری و اشعار عموزاده مرحومم علاقه زیادی دارد و برای مرور خاطرات او به اینجا آمده، ولی مدتی بعد شنیدیم که او شعر و ادبیات را کنار گذاشته و دکان عطاری باز کرده است.»